فصل‌نامه راهبردهای آموزش
دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰
صفحات: ۹۴-۹۱

Iranian Quarterly of Education Strategies
Vol. 4, No. 2, Summer 2011
Pages: 91-94

مروری

نقش آموزش عالی در یادگیری مادام‌العمر

مژگان محمدی‌مهر[*] *MSc*، حسن ملکی[۱] *PhD*، عباس عباس‌پور[۱] *PhD*، علیرضا خوشدل[۲] *PhD*

[*]گروه میکروبیوژی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران
[۱]گروه مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
[۲]گروه اپیدمیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: تغییرات وسیع اقتصادی- اجتماعی و فناوری، تاثیر قوی بر نظام‌های تعلیم و تربیت در کشورهای صنعتی نشان داده است. مفاهیم و عباراتی همچون جامعه اطلاعاتی، اقتصاد دانش محور و جوامع یادگیری، هم‌اکنون ویژگی برجسته‌ای در مسیر اصلی مباحث سیاسی آموزشی و دولتی شده و اهمیّت یادگیری در هر مرحله از توسعه انسانی به شکل گسترده‌ای قابل تشخیص است. امروزه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان مکان‌های کلیدی برای توسعه یادگیری مادام العمر در نظر گرفته می‌شوند. هدف از ارائه این مقاله مروری بررسی یادگیری مادام العمر و نقش آموزش عالی در توسعه آن بود.

نتیجه‌گیری: یادگیری مادام‌العمر می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول راهنما برای توسعه به جای مساله‌ای اضافی برای موسسات آموزش عالی ارایه شود. برای ایجاد و توسعه یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی، موسسات نیازمند توسعه آگاهی نظام‌مند و تحلیل ارتباطات داخلی بین سطوح گوناگون سازمان‌های خود و درک چگونگی وابستگی این عوامل با تعاملات شناختی و عاطفی یادگیری هستند. یادگیری مادام‌العمر تعقیب‌کننده اهداف عمومی مانند عمومی‌سازی آموزش هم در کیفیت و هم در کمّیت و اقامه‌کننده اصل یادگیری واقعی در آموزش اجباری و تسهیل‌کننده توسعه و پیشرفت از تحصیل به‌کار است. برای این منظور نیاز به عزم ملی در سطح جامعه و آموزش عالی است و بایستی این نگرش به واقعیت و باور در ذهن افراد جامعه تبدیل شود.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، یادگیری مادام العمر، یادگیری

Role of higher education in lifelong learning

Mohammadi Mehr M.* *MSc*, Maleki H.[1] *PhD*, Abbas Pour A.[1] *PhD*, Khoshdel A. R.[2] *PhD*

[*]Department of Microbiology, Faculty of Paramedicine, Artesh University of Medical Sciences, Tehran, Iran
[1]Department of Educational Management, Faculty of Psychology & Humanities, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran
[2]Department of Epidemiology, Faculty of Medicine, Artesh University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Introduction: Extensive socio-economic and technological changes have shown a potent effect on educational systems in industrial countries. Concepts and statements such as the Information Society, the Knowledge-Based Economy and the Learning Society has now become prominent characteristics in the main path of political-educational and governmental issues and the importance of learning is vastly distinguishable in each stage of human development. Universities and higher education institutes are nowadays considered as the key places of developing the lifelong learning. The purpose of this review article was to evaluate the lifelong learning and the role of high education in its development.

Conclusion: Lifelong learning can be proposed to high education institutes as a set of guidelines instead of an excess topic. Institutes have to develop organized awareness, analyze internal relationships among their different organizational levels and comprehend the manner of these factors' dependence on cognitive and emotional interactions of learning in order to create and develop lifelong learning in high education. Lifelong learning follows the general aims such as generalization of education regarding both quality and quantity and is the expresser of the genuine learning principle in obligatory education and the facilitator of advancement from education to work. National certainty is needed in society and high education institutes for this purpose and this attitude should become a belief and reality in individuals' minds all over the society.

Keywords: High Education, Lifelong Learning, Learning

نویسنده مسئول: مژگان محمدی‌مهر. تمام درخواست‌ها باید به نشانی mojganmehr20@yahoo.com فرستاده شوند.
دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۹/۱۰ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۴/۲۹

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

مقدمه

در دنیای امروز مهارت‌هایی که فرد در ۵۰ سال گذشته کسب کرده است، برای ادامه زندگی و کار او کفایت نمی‌کند. یادگیری چگونه آموختن، حل مساله، درک نقادانه و یادگیری آتیه‌نگر، در عصری که ۶۰٪ از بازار کار و مشاغل دو دهه آینده یا خیلی زودتر از آن زمان، ناشناخته است، تنها بخشی از مهارت‌های اصلی و توانمندی‌های مورد نیاز همگان هستند [۱].

گرچه اغلب، یادگیری مادام‌العمر به‌عنوان مفهومی مبهم و منازعه‌برانگیز درنظر گرفته شده است، اما معمولاً برای ارجاع به مجموعه گسترده‌ای از باورها، اهداف و راهبردهای متمرکز بر این عقیده که فرصت‌های یادگیری باید برای همه صرف‌نظر از سن و وضعیت، قابل دسترس باشد، به‌کار می‌رود. رویکردهای یادگیری مادام‌العمر، عموماً در دو زمینه مطرح می‌شود. رویکرد اول بر منفعت اقتصادی کشورها، جوامع و تجارت متمرکز می‌شود؛ در این رویکرد، افراد نیازمند باید انعطاف‌پذیری بیشتری در مسئولیت‌های خود در برابر تغییر نیروها و عوامل تولید حاصل از تغییر اقتصاد صنعتی به اقتصاد دانش‌محور داشته باشند و دانش و مهارت‌ها، به‌صورت ویژه‌ای در میان کسانی که فاقد توانمندی‌های ضروری استخدام، ناشی از فقدان تحصیل رسمی یا تنزل دانش کسب‌شده قبلی‌اند، برجسته می‌شود. دومین رویکرد یادگیری مادام‌العمر در ایده اَشکال آموزش، پایه‌ای برای شهروندی در جوامع ملی، روشنفکر و دموکراتیک است. براساس این ایده، ارتباط بین مسئولیت مدنی و آموزش مشخص شده است که توسط *بیکن* در قرن هفدهم و اخیراً توسط *دیویی* بحث شده است [۲]. مفاهیم یادگیری مادام‌العمر و شهروندی به مطالعات *کومبس* و همچنین *لینگراد* برمی‌گردد و پس از آن در گزارشات یونسکو در مورد یادگیری برای زیستن و یادگیری به‌عنوان گنج درون دنبال شده است. یادگیری در سرتاسر زندگی برای جوامع دموکراتیک لازم است. آموزش نباید به تحصیل رسمی ختم شود بلکه بزرگسالان باید به آموزش در سرتاسر زندگی خود دسترسی داشته باشند. چنین ایده‌ای بر مفهوم جامع یادگیری بنا شده و با کسب دانش، تجدید و استفاده از آن مرتبط است. یادگیری سراسر عمر نه‌تنها به این معناست که افراد باید از فرصت‌های ایجادشده توسط جامعه متنفع شوند، بلکه جوامع باید فرصت‌های جدیدی را برای افراد خود تدبیر نماید. در این دیدگاه، جامعه باید بر اندیشه یادگیری برای زیستن با یکدیگر که دربرگیرنده توسعه درک دیگران، پیشینه و عادات آنها و ارزش‌های معنوی، فرهنگی و اجتماعی است بنا شود، تا افراد، یکدیگر را با درک چگونگی مدیریت تضادها، به شیوه هوشمندانه و مسالمت‌آمیز، تایید نمایند [۲]. وجود آموزش عالی برای تضمین آینده اجتماعی- اقتصادی تمام کشورها امری حیاتی است. امروزه رشد فناوری مستلزم نیروی کاری است که فرهیخته، انعطاف‌پذیر و از نظر تسلط بر فناوری توانا باشد و برای مقابله با مشکلات پیچیده جامعه و اقتصاد جهانی، آمادگی بهتری داشته باشد. دانشگاه‌ها بهترین تشکیلاتی هستند که با ارایه دانش و مهارت‌های سطح بالا با محتوایی متناسب با نیازهای اقتصادی، صلاحیت‌های شغلی به اشخاص می‌دهند و بنا به گفته *کناپر* و *کراپلی*، سکوی پرش برای ورود به بازار کار هستند. اقتصاد دانش‌محور در جهان کنونی، خواهان مهارت‌های ویژه در فارغ‌التحصیلان و ایجاد مطالبه یادگیری مادام‌العمر است [۳]. بنابراین در زمانی که یادگیری مادام‌العمر چالش مهمی است که هر فرد و هر جامعه‌ای با آن مواجه است، دانشگاه‌ها می‌توانند عرصه بزرگی را برای تحقق آن فراهم آورند.

یادگیری مادام‌العمر مترادف نوینی برای یادگیری است و دستاورد رشد تصاعدی اطلاعات است [۴]. توسعه دانش، مهارت‌ها، علایق و فرصت‌های یادگیری در زندگی در فرآیند یادگیری مادام‌العمر توسط افراد حفظ می‌شود. یادگیری مادام‌العمر دربرگیرنده فرآیند یادگیری از گهواره تا گور بدون تحمیل اجبار و با میل و علاقه فردی است [۵]. *برامای* در متون مربوط به یادگیری مادام‌العمر این واژه را به معانی یادگیری چگونه آموختن، یادگیری در سراسر زندگی، یادگیری فارغ از انتخاب، یادگیری خودراهبر یا خودحمایتی، یادگیری بدون حد و مرز و سواد اطلاعاتی به‌کار می‌برد [۴].

نقش آموزش عالی در یادگیری مادام‌العمر

تحقق یادگیری مادام‌العمر، ماموریت محوری موسسات آموزش عالی است. موسسات و دانشگاه‌ها با اطمینان از این که افراد، توانمندی‌های فکری لازم را برای استدلال و تفکر انتقادی کسب کرده‌اند و با کمک به آنان در ساختن چارچوبی برای این‌که چگونه یادگرفتن را یاد بگیرند، مبانی رشد مستمر در حیات شغلی و نیز ایفای نقش به مثابه شهروندان و اعضای آگاه جامعه را در اختیار آنان می‌گذارند.

امروزه دانشگاه‌ها و دیگر موسسات آموزش عالی به‌عنوان حوزه‌های صلاحیت کلیدی برای رشد و توسعه یادگیری مادام‌العمر درنظر گرفته می‌شوند. بنابراین، در بسیاری از کشورها فشارهایی بر چنین موسساتی به‌منظور گسترش و توسعه آنها وجود دارد. دانشگاه‌ها باید در جهت تغییر در برنامه‌های درسی و فنّ تعلیم و تربیت در راستای آمادگی بیشتر افراد برای حضور در جامعه دانش‌محور گام بردارند [۶].

شواهدی دال بر تغییر برخی از موسسات و دانشگاه‌ها در راستای ایفای این نقش وجود دارد. تعدادی از مطالعات درخصوص یادگیری مادام‌العمر در کشورهای مختلف، نشان‌دهنده چگونگی تغییر نظام‌های آموزش عالی در جهت برخوردی مناسب با برخی از نیازهای یادگیرندگان مادام‌العمر است و این تغییرات بر جنبه‌های گوناگونی همچون سیستم اجرایی دانشگاه، بودجه‌بندی، منابع، طرح‌ریزی و ارتباطات اجتماعی مختلف موثر است [۶، ۷، ۸].

نتایج مطالعات نشانگر تغییر محیط آموزش عالی است؛ چنین تغییراتی، مشخصه و نقش موسسات آموزش عالی را بازتعریف می‌نمایند. چنین تغییراتی، تاحدودی، پاسخ به تغییرات سیاست ملی است. همان‌طور که *فیلد* حدس زده است، مفاهیم و رویکردهای یادگیری مادام‌العمر،

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

به‌طور فزاینده ابزاری برای اصلاح و نوسازی آموزش و سیستم‌های آموزشی است. به‌ویژه دولت‌ها، مشوق موسسات آموزش عالی برای توسعه یادگیری مادام‌العمر با ارجاع به سه هدف بنیادی آموزش یعنی توسعه فردی، پیوستگی اجتماعی و رشد اقتصادی هستند [۶].

توسعه نگرش‌های یادگیری مادام‌العمر مستلزم توسعه مهارت‌های جدیدی مانند جمع‌آوری اطلاعات و رشد نگرش‌های ویژه و تمایلات مرتبط با یادگیری است. موسسات آموزشی باید به‌شیوه‌ای سازماندهی شوند تا یادگیرندگان مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های یادگیری، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های به‌چنگ‌آوری فرصت‌های یادگیری را کسب نمایند و توانمندی سواد کامپیوتری در تلفیق با نیازهای جامعه اطلاعاتی را به‌دست آورند. به عبارتی، برای دستیابی به این مهارت‌ها باید برنامه درسی مبتنی بر مهارت و برنامه‌های آموزشی حمایتی همانند استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی و شبکه‌های ملی و بین‌المللی فراهم شود تا یادگیرندگان مادام‌العمر پرورش یابند [۹، ۱۰].

هدف مهم از رویکرد یادگیری مادام‌العمر در محیط‌ها و موسسات آموزشی و دانشگاهی، کاهش شکاف بین یادگیری رسمی (یادگیری مدرسه و دانشگاه) و یادگیری در محیط کار است. برای این منظور باید به ۲ سئوال "کدام مهارت‌های پایه در دنیایی که اطلاعات و مهارت‌های حرفه‌ای با گذشت یک‌دهه منسوخ می‌شود، مورد نیاز هستند؟" و "چه تغییری در مدارس و دانشگاه‌ها داده شود تا یادگیرندگان برای عمل در محیط‌هایی که نیازمند مشارکت، خلاقیت، طرح مسایل و دانش توزیع شده است، آماده شوند؟" پاسخ داده شود [۱۱].

یادگیری رسمی، نقش محوری در چارچوب نظری یادگیری مادام‌العمر ایفا می‌نماید. تمایلات و گرایشات به سمت یادگیری مادام‌العمر در ابتدای کودکی آغاز می‌شود و می‌تواند از طریق فرآیندهای رسمی تحصیل، افزایش یابد یا بازداری شود [۱۱]. اگرچه عبارت یادگیری مادام‌العمر، به شکل برجسته‌ای در خیلی از منشورها و بیانیه‌های ملی مشخص می‌شود، اما ارتباطات کمی بین عملکرد رایج در آموزش رسمی و درک راهبردها و عوامل پیشبرنده یادگیری مادام‌العمر وجود دارد. خیلی‌ها بر این باورند که ضعف شدیدی در سیستم آموزشی برای ایجاد ارتباط و توانایی مشارکت در آموزش مادام‌العمر وجود دارد. آموزش باید مجذوب یادگیری مادام‌العمر باشد، اما این موضوع ضمانت کافی نمی‌دهد که افراد ظرفیت و اشتیاق دنبال‌کردن یادگیری را از این طریق توسعه دهند [۱۲].

منحصربه‌فردسازی، انعطاف‌پذیری و تمرکز بر یادگیرندگان و یادگیری (به جای تمرکز بر مربیان و تدریس)، ایجاد محیط‌های یادگیری قوی که در آن دانشجویان کاشف و سازندگان دانش هستند از مهم‌ترین نگرش‌ها در پارادیم یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی است [۱۲، ۱۳].

آموزش عالی باید هوشیار به این واقعیت باشد که یادگیری مادام‌العمر برای هر کشوری برای رسیدن به سطح لازم از پایداری، داشتن اقتصاد سالم بومی، توسعه اجتماعی، خلاقیت فرهنگی توسط دانش بهتر، درک میراث فرهنگی، دستیابی به استانداردهای زندگی عالی، توازن داخلی و بین‌المللی، صلح براساس اندیشه‌های بشری، دموکراسی، تحمل و احترام دوطرفه لازم است [۱۴].

آموزش عالی طی دهه‌های اخیر با مزیت قابل توجه وجود اندیشمندان و دسترسی به تجهیزات پیشرفته برای تجربه، تدریس و یادگیری، برتری خود را حفظ نموده و همان‌طور که *کناپر* و *کروپلی* بیان می‌نمایند، دانشگاه و آموزش عالی به‌دلیل نقش مهم در کمک به تشکیل سیستم یادگیری مادام‌العمر، نیازمند توجه و رسیدگی شایسته‌ای هستند؛ این امر ناشی از آن است که دانشگاه‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های عمل را در بسیاری از ابعاد جامعه تحت تاثیر قرار می‌دهند. از جمله این تاثیرات آن است که از سویی جوامع به‌طور فزاینده مبتنی بر دانش شده‌اند و از سوی دیگر، دانش موضوع اصلی دانشگاه‌هاست [۱۴].

دانشگاه‌ها می‌توانند و باید عرصه بزرگی برای یادگیری مادام‌العمر فراهم کنند. با توجه به این ویژگی، اکثر اندیشمندان و دست‌اندرکاران آموزش عالی تشکیل سیستم یادگیری مادام‌العمر را پیشنهاد نموده و آن را به‌صورت سیستم یادگیری کل‌گرایی تعریف می‌کنند که به آموزش رسمی مانند آموزش عمومی و آموزش عالی محدود نمی‌شود، بلکه شامل آموزش بزرگسالان، آموزش جمعی و یادگیری در محل کار نیز می‌شود. همچنین، شامل فرصت‌هایی برای دسترسی به یادگیری در سایر محیط‌هایی مانند رسانه‌ها، کتابخانه‌ها، گروه‌های اجتماعی و مذهبی و پایگاه داده‌های الکترونیکی است که به‌طور متداول محل یادگیری تلقی نمی‌شوند [۱۵]. این موسسات، نه‌تنها می‌توانند انتقال‌دهنده دانش باشند بلکه می‌توانند دانش جدیدی تولید کنند و نخبگان جامعه را برانگیزانند تا به ارایه اندیشه‌های آگاهانه بپردازند. همچنین، دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق ارایه دوره‌ها و آموزش‌های متنوع، ایجاد کرسی‌های استادی بین‌المللی و تبادل استاد و دانشجو میان کشورها، اطمینان دهند که بهترین آموزش به‌طور گسترده‌ای در دسترس همگان قرار گیرد. علاوه بر این، دانشگاه‌ها وظیفه مهمی در تربیت مدرسان بر عهده دارند و اساتید دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مهمی در به‌کارگیری استراتژی‌های تدریسی که برای یادگیری در طول زندگی لازم است، ایفا کنند. درنتیجه، می‌توان گفت که تجارب یادگیرندگان در آموزش عالی، پیامدهایی برای یاددهی/یادگیری در تمام سطوح نظام آموزشی به‌دنبال دارد [۱۴].

چالش مهم در این زمینه، قطع ارتباط بین موسسات پژوهشی و آموزش عالی با فارغ التحصیلان است. بنابراین دانشگاه‌ها برای آن‌که بتوانند نقش فعال و موثری در زمینه یادگیری مادام‌العمر ایفا نمایند، باید در ایجاد ارتباط با فارغ التحصیلان خود موفق باشند و این امر، باید هدف طرح یادگیری مادام‌العمر موسسات آموزش عالی و دانشگاه باشد [۱۶].

یونسکو، مجموعه ویژگی‌های ۱- پوشش چارچوب فرهنگی/اجتماعی،

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]

مالی و تنظیمی؛ ۲- مشارکت و ارتباطات راهبردی؛ ۳- پژوهش؛ ۴- فرآیندهای تدریس و یادگیری؛ ۵- سیاست‌های مدیریتی و مکانیزم‌ها؛ و ۶- نظام‌های حمایت دانشجو و منابع را برای توسعه موسسه یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی تعیین کرده است [۶].

بسط و توسعه یادگیری، فرصت‌های زیادی را برای ارزیابی دوباره باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و تمرینات حرفه‌ای و آکادمیک فراهم می‌آورد که در موسسات آموزش عالی به شکل سنتی ظاهر شده است. یادگیری مادام‌العمر به چنین موسساتی فرصتی برای مشارکت گسترده در آموزش عالی، متنوع‌کردن برنامه درسی، القای عنصر پرسشگری نقادانه به فرآیندهای آموزشی، ارزیابی مجدد نظام‌های تدریس، سنجش و شناخت یادگیری می‌بخشد [۶].

نتیجه‌گیری

یادگیری مادام‌العمر می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول راهنما برای توسعه به جای مساله‌ای اضافی برای موسسات آموزش عالی ارایه شود. برای ایجاد و توسعه یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی، موسسات نیازمند توسعه آگاهی نظام‌مند و تحلیل ارتباطات داخلی بین سطوح گوناگون سازمان‌های خود، محیط‌هایی که در آن موسسات آموزش عالی عمل می‌نمایند، زمینه‌های ساختاری و سازمانی آنها و درک چگونگی وابستگی این عوامل با تعاملات شناختی و عاطفی یادگیری هستند. یادگیری مادام‌العمر توسط موسسات بین‌المللی مختلفی با رویکرد و فلسفه "آموزش از گهواره تا گور" دنبال می‌شود و تعقیب‌کننده اهداف عمومی مانند عمومی‌سازی آموزش هم در کیفیت و هم در کمّیت و اقامه‌کننده اصل یادگیری واقعی در آموزش اجباری و تسهیل‌کننده توسعه و پیشرفت از تحصیل به‌کار است. برای این منظور نیاز به عزم ملی در سطح جامعه و آموزش عالی است و بایستی این نگرش به واقعیت و باور در ذهن افراد جامعه تبدیل شود.

منابع

1- Medel-Anonuevo C, Ohsako T, Mauch W. Revisiting lifelong learning for the 21st century. Philippine: UNESCO Institute for Education; 2001.

2- Nesbit T. Realizing lifelong learning in institutions of higher education. Montreal; American Educational Research Association Conference, 2005.

3- Davenport P. The affordability of lifelong learning in the knowledge economy: A Canadian university perspective. Ottawa; International Conference Hosted by OECD, 2000.

4- Brahmi FA. Medical students' perceptions of life long learning at Indiana university school of medicine [dissertation]. India: University of India; 2007.

5- Patterson MC. Successful strategies for life long learning in mathematics through professional development [dissertation]. United States: Walden University; 2004.

6- Nesbit T, Dunlop C, Gibson L. Lifelong learning in institutions of higher education. Can J Univ Cont Educ. 2007;33(1):35-60.

7- Kreber C, Mhina C. Just plain rhetoric? An analysis of mission statements of Canadian universities identifying their verbal commitments to facilitating and promoting lifelong learning. Can J Univ Cont Educ. 2005;31(1):51-86.

8- Marks A. A "grown up" university? Towards a manifesto for lifelong learning. J Educ Policy. 2002;17(1):1-11.

9- Demirel M. Lifelong learning and schools in the twenty-first century. Procedia Soc Behav Sci. 2009;3(1):1709-16.

10- Bryce J, Withers G. Engaging secondary school students in lifelong learning. Australia: Australian Council for Educational Research Publication; 2003.

11- U.S. Congress. Learning to work: Making the transition from school to work. Washington: Office of Technology Assessment Publication; 1995.

12- Helterban VR. Life long learning: A qualitative study of adult self-direction, motivation to learn and self-efficacy in a learning society [dissertation]. Pennsylvania: Duquesne University; 1999.

13- Kelly DK. Lifelong learning in higher education: A strategy for the future. Prague; European Association of Institutional Research (EAIR) Conference, 2002.

14- Knapper CK, Cropley AJ. Lifelong learning in higher education. 3rd ed. Massachusetts: Elsevier Publication; 2005.

15- Nasr Esfahani AR, Karimi S, Boghratiyan K. Due to the necessity of lifelong learning and its role in the realization. Tehran; Proceedings of Conference on Higher Education and Sustainable Development, 2004. [Persian]

16- Tao W, Cheng J, Dong W, Wang J. East Asia lifelong learning community 2020: Objective, organization and operation. Transit Stud Rev. 2009;16(2):252-68.

[Downloaded from edcbmj.ir on 2026-11-01]